روزنامه شرق

جهان . علم

نبرد زنانه علیه پارلمان‌های خاورمیانه — صفحه ۸

«حزب‌الله» و انتخابات ترکیه — صفحه ۹

دستاوردهای پرشماری که در راهند — صفحه ۱۰

عکس: Gettyimagrs

نظم نوینی در راه است؟

دیپلماسی و امنیت جهانی بعد از «کریمه»

مترجم: محمدحسن ایپکچی

«نظم جهانی که اینک روسیه به‌دنبال دارد، از یک‌سو و نگرانی آمریکا و غرب در تغییر توازن قوا در نظام قدرت جهانی از سوی دیگر یکی از چالش‌های اصلی دنیای سیاست مدرن است.»

ولادیمیر پوتین، طی نطق دوهفته گذشته خود در پارلمان روسیه گفت: «کریمه همواره بخش جدانشدنی از روسیه و به یقین شبه‌جزیره‌ای موثر و خیره‌کننده بوده است؛ ملتی که با شرکت اخیر خود در همه‌پرسی بر قابلیت هر چه تمام سرزمینشان صحه گذاشتند. چنین رویدادی نمی‌تواند معنی دیگری جز پیروزی نظم و مشروعیت کریمه و نیز ضربه‌ای موثر بر دخالت بیجای غرب باشد.»

واقعیت اینکه پوتین سیاست نوینی را در عرصه معادلات جهانی در نظر دارد. چه، طراحی او درنظم نوین می‌تواند به‌راحتی منطقه و جهان را با اتفاقات بزرگی روبه‌رو کند. حتی چنانچه بیشتر مردم کریمه خواهان ملحق‌شدن به روسیه باشند، همه‌پرسی خود می‌تواند کمکی در این هدف باشد. رفتار دقیق اخیر روسیه خود گویای شروع جنگ سرد جدید با آمریکاست.

سیاست خارجی هم داستان مخصوص به خودش را دارد. فروپاشی شوروی توانست در یک دهه برتری قدرت آمریکا را بدون چالش مهمی همراه با تهاجم ارزش‌های آمریکایی به‌دنبال داشته باشد. لیکن غرور زیاده از حد جورج بوش، «جهان تک‌قطبی» را در مخمصه گردوغبار عراق قرار داد و از آن زمان، باراک اوباما با الگوی همکاری با شرکای همسوی جهان در رسیدن به اهداف مشترک قصد رویارویی منسجم در برابر مخالفان و منزوی‌کردن آنها را کرد. در سوریه باعث نوعی شکست برای آمریکا شد. قدرت آمریکا تحت چنین شرایطی بود که نظم جهانی مورد نظر روسیه را مانعی بزرگ بر سر راه خود دید و اینک در حال حاضر در شرایط از بین‌رفتن چنین نظمی که آمریکا ادعای آن را دارد، قرار داریم. پوتین، به دست‌گرفتن کنترل کریمه را در پوشش قوانین بین‌المللی به نظر، خوب به جهان نشان داد و چنین وانمود کرد که در برابر برکناری قدرت در کی‌یف دیگر تضمینی در قرارداد حفظ امنیت مرزهای اوکراین را که روسیه در سال ۱۹۹۴ (امضا کرد) زمانی که اوکراین از ساخت تسلیحات هسته‌ای منصرف شد، ندارد. اما قوانین بین‌المللی بر اساس میراث حقوق و وظایف کارگزاران جاری بوده و به همین صورت او با استناد به این قانون که موظف به حمایت از «هم‌میهنان» خود است این تصور را القا کرد هرکسی از هر کجا که باشد خودش را روسی بنامد. برخلاف همه شواهد موجود، او همچنین از مسوولیت ارسال تسلیحات برای کنترل امور کریمه طفره رفته آن را قبول نکرد.

بزرگنمایی تهدیدات اوکراین به ماجرای کریمه که مداخله در خارج مرزها را قانونی جلوه می‌دهد باید آخرین چاره روسیه برای نجات کریمه باشد. او با اشاره به نمونه بمباران کوزوو توسط ناتو در سال ۱۹۹۹ به مخالفت روسیه با آن پرداخت درحالی‌که حتی آن زمان کوزوو همانند کریمه فوری ضمیمه نشد بلکه پس از گذشت ۹سال جدا شد.

جای بس نگرانی است که فقط تعداد کمی از مردم چنین مواردی را درک می‌کنند. چه بسیاری از کشورهای جهان از هژمونی آمریکا و ارزش‌های غربی متنفرند، اما خب از طرفی دلواپس استراتژی‌های جدید روسیه نیز هستند. در این میان هر یک از کشورهای منطقه و جهان بر اساس شرایط سیاسی خود به موضوع نگاه می‌کنند. در این میان معدود کشورهایی که در دهه‌های اخیر رشد و توسعه غیرقابل انتظاری یافته‌اند، طبیعی است که از نگرانی کمتری برخوردار باشند. همچنین در صورتی که قراردادهای بین‌المللی معنی و مفهوم خود را بخواهند از دست دهند، چه‌بسا که هند هم بخواهد با چین درگیر شود. اگر تجزیه‌طلبی یکجانبه قابل‌قبول باشد آن‌وقت برای ترکیه خیلی دشوار است که جماعت کرد خودش را ترغیب کند تا در حفظ صلح بتوانند آینده خود را رقم زنند. دو کشور مصر و عربستان‌سعودی هم بدشان نمی‌آید که موقعیت ایران را در منطقه زیرنظر داشته، قدرت آن را خاصه باتوجه به جایگاه مهم محوریت تشیع ایران در سراسر خاورمیانه (حمایت از شیعیان منطقه) بخواهد کاهش دهد. در این میان چین هم در شرایط راحتی قرار نخواهد داشت. از نظر تاکتیکی، کریمه می‌تواند برای این کشور مشکل‌ساز باشد. سابقه جدایی‌طلبی در این کشور به خاطر تبت کاملا امری مطرود و منفور قلمداد شده و عامل بسیار مهم تایوان توانسته گونه‌ای از وحدت سیاسی را در چین برقرار کند. باتوجه به ملاحظات استراتژیکی، منافع چین امری روشن است. چه، برای چندین دهه به‌دنبال شرایطی آرام در درون نظام بوده است.

برای اوباما قضیه متفاوت است چراکه او نه‌تنها داعیه همکاری بلکه درصدد و مدعی رهبری نظم جهانی است. کریمه برای سایر نقاط دنیا هم مساله‌ای بی‌اهمیت نیست. به نظر می‌رسد که برخی کشورها با این موضوع بسیار ضعیف و شکننده عمل کرده‌اند. چین و هند در کناری ایستاده نظاره‌گر بحران هستند. غرب با اعمال تحریم، اقدام به مسدودکردن دارایی‌هایی کرده است؛ وظیفه‌ای که غرب آن را نشانی از تعهد می‌داند.

در حداقل‌ترین تصور ممکن، فشارهای تحریم فراتر از انتظارات خواهد بود. بی‌تردید، مسدودکردن اموال و دارایی‌ها با قدرت اعمال می‌شود چراکه واهمه بزرگی به واسطه تداوم تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران در اقتصاد و شرایط مالی جهان اتفاق افتاد. در این میان، فرانسه از فروش تسلیحات به روسیه امتناع و بسته به شرایط آتی اوکراین شرقی، آلمان انتقال نفت و گاز به آن کشور را متوقف می‌کند. هرگونه برنامه‌ریزی غرب باید هم‌اینک اتفاق بیفتد تا بتواند میزان وابستگی اروپا را به قدرت انرژی روسیه کمتر کرده در نهایت بتواند به تقویت قوای ناتو بینجامد.

از طرفی، اوکراین هم نیاز جدی به کمک‌های مالی برای برنامه‌های کوتاه و بلندمدت خود البته با مشارکت صندوق بین‌المللی پول خواهد داشت و در نخستین قدم این وظیفه آمریکاست تا نسبت به پرداخت آنچه ماه‌هاست توسط کنگره متوقف شده به اوکراین اقدام کند. در کنار غرب هم که آمادگی جدی در اعمال فشار علیه پوتین دارد، افزایش قدرت جهانی چه‌بسا انتقاداتی را هم برای وی به همراه داشته باشد، اما با وجود اتفاقاتی که در کریمه افتاد جهان نظاره‌گر نکته مهمی هم هست و آن اینکه در آینده نزدیک مردم در کدامین نظم جهانی می‌خواهند زندگی کنند. آیا دنیای سیاست به سمت‌وسوی احترام لازم به انجام تعهدات و قراردادهای بین‌المللی و حقوق مرزی خواهد رفت؟

بحران اوکراین

ولادیمیر پوتین، الحاق کریمه را برای اولین‌بار در سالن اجتماعات «سنت جورج» کرملین با پیروزی هرچه تمام اعلام کرد. گروه‌های مختلف مردم و به‌خصوص نخبگان سیاسی که با اجتماع عظیم خود در محل سخنرانی حضور داشتند با اشک شوق و با ابراز احساسات غرورآفرین خود به عزت و اهمیت روسیه از این سخنان استقبال گرمی کردند. فضای طنین‌انداز سخنرانی پوتین نه‌فقط به علت الحاق کریمه بلکه به لحاظ اهمیت روحیه وحدت و همدلی مردم روسیه و تایید خواست قاطبه مردمی بود که کریمه را در خانواده خود پذیرفتند.

درواقع، سیاست پوتین در الحاق کریمه بار دیگر توانست توجه ملت را به قدرت و توانایی او در برآوردن آرزوی دیرینه مردم در آغوش‌گرفتن گمشده خود جلب کند. بخشی از سخنرانی پوتین در مراسم مذکور توجه به لزوم برنامه‌ریزی اوکراین در پرهیز از سوءمدیریت‌های گذشته و تدوین و اجرای طرح‌هایی بود که به نفع ملت و کشور باید صورت گیرد.

انقلاب فوریه گذشته نیز در همین راستا نه صرفا به تغییر قدرت سیاسی در اوکراین بلکه نویدبخش تولد کشوری بود که بیش از آنچه بخواهد به رویکرد ژئوپلیتیکی ناشی از دوران پس از شوروی سابق بنگرد، تمام همت خود را بر ساخت و تقویت هویت ملت- دولتی اوکراین جدید با امعان‌نظر به جایگزینی قدرت نخبگان مسوولیت‌پذیر در جامعه قرار داد.

رشد آگاهی‌های ملی را به‌خوبی می‌شد در اجتماع عظیم مردم دید؛ ملتی که برای آنها زبان روسی گویش مادری‌شان بود، افرادی که برای کشور جدیدشان آماده مبارزه بودند. یکی از این افراد به نام «دنیس شولیاکف» ۴۶ساله سخنگوی پارلمان روسیه بود که اعتقاد داشت: «من از خدمت سربازی در شوروی سابق فرار کردم و هرگز فکر نمی‌کردم که روزی به‌طور داوطلبانه بخواهم برای اوکراین مبارزه کنم.»

چه بسیاری از کشورهای جهان از هژمونی آمریکا و ارزش‌های غربی متنفرند، اما خب از طرفی دلواپس استراتژی‌های جدید روسیه نیز هستند. در این میان هر یک از کشورهای منطقه و جهان بر اساس شرایط سیاسی خود به موضوع نگاه می‌کنند. در این میان معدود کشورهایی که در دهه‌های اخیر رشد و توسعه غیرقابل انتظاری یافته‌اند، طبیعی است که از نگرانی کمتری برخوردار باشند

تقدیر و خواست مردم

گفته می‌شود کسی از آنچه پوتین در آینده قصد انجام آن را دارد مطلع نیست. چه‌بسا در مورد کی‌یف که به نظر پوتین «مادر شهرهای روسیه» به‌شمار می‌رود وی آن را گمشده اصلی خود بداند. زیاد دور از ذهن هم نیست که «جهان روسیه» که دارای هیچ سرحدات مرزی قانونی هم نباشد بخش مهمی از اندیشه سیاسی پوتین را تشکیل دهد. در صورتی که اوکراین از درون دچار بحران شده و به تعبیری انفجار داخلی رخ دهد، همان‌طور که در شرایط ضعف دوران پس از انقلاب اتفاق افتاد، رهبری روسیه درصدد اعمال سیاست خود خواهد بود و البته که تهدیدات نظامی هم‌نگران‌کننده می‌نماید. پیش‌بینی ایستادگی او در تشکیل «فدراسیون اوکراین» هم خیلی دور از انتظار نیست که در چنین حالتی اوکراین کشوری تحت‌الحمایه روسیه در بخش‌های جنوبی و شرقی کشور درآمده و در نتیجه از هرگونه حرکت به سمت اتحادیه اروپا منع خواهد شد.

عوامل سه‌گانه‌ای که موجب شد پوتین به‌راحتی و بدون خونریزی کریمه را ضمیمه روسیه کند عبارتند از:

۱- قدرت نیروی نظامی روسیه مستقر در کریمه

۲- موافقت و تصویب جمعیت روسی کریمه از منظر نژادی و فرهنگی که جایگاه تثبیت‌شده‌ای را در اتحاد شوروی سابق داشت.

۳- ضعف ساختاری دولت موقت کی‌یف

نظامیان اوکراینی که ارتش روسیه را در کریمه تحریک به درگیری می‌کردند، خود با بحرانی روبه‌رو شدند که ضعف مدیریت حکومت داخلی مشکلات را می‌افزود، اما به‌هرحال اوضاع سمت‌وسوی تقویت ملی‌گرایان جناح راست اوکراین را طی می‌کرد. حزب اصلی آنها «Svoboda» طی ماه‌های اخیر حمایتش را از دست داده بود. برخی از طرفداران حزب فوق به علت تبلیغات شبکه تلویزیون ملی اوکراین به حمایت از سخنرانی پوتین، مدیریت این کانال رسانه‌ای را مورد انتقادی سخت قرار دادند.

عزمی دوگانه

در این میان، دولت هم نتوانست از عهده مقابله با حجم گسترده تبلیغات روسی برآید. واقعیت این بود بسیاری از کسانی که در میدان استقلال در برابر نیروهای «یانوکوویچ» اسلحه‌های خود را بر زمین گذاشتند همه گویش روس‌شرقی داشته و آنطور که باید مورد دلگرمی قرار نگرفتند. بنابراین، این علتی از شکست دولتی بود که نتوانست اعتماد لازم را خاصه در بین منطقه صنعتی شرقی اوکراین، جایی که هنوز نوستالژی شدیدی برای اتحاد جماهیر شوروی برقرار بود کسب کند و آن مردم را طرفدار خود قرار دهد و در بخش کشاورزی غرب کشور نیز که مردم بیشتر فردگرا بوده و طرفدار اتحادیه اروپا بودند. از طرفی درست دوهفته طول کشید تا تلویزیون دولتی بتواند با تهیه و پخش برنامه‌ای در مورد امنیت و ضمانت ثبات گویش روسی مردم ساکن در جنوب و شرق کشور اطمینان‌سازی کرده به آنها این راحتی خیال را بدهد که در آینده خواهند توانست در حکومت‌های محلی کشور به نوعی از خودمختاری برخوردار شوند. چه‌بسا در صورت انتخاب و اجرای روش گفتمان سیاسی از جانب دولت مرکزی، رهبران سیاسی و سایر مهره‌های مهم موثر در مناطق شرقی و جنوبی کشور به‌گونه‌ای از تفاهم می‌رسیدند.

تهدید خیابانی

«والری خملکو»، محقق موسسه بین‌المللی جامعه‌شناسی در کی‌یف اعتقاد دارد که هرچند مردم جنوب و شرق کشور احساس و رابطه خوبی با روسیه دارند، ۷۰درصد آنها مخالف حضور نظامی پوتین در اوکراین هستند. سیاستمداران طرفدار روسیه نیز که نوعا چهره‌های حاشیه‌ای محسوب می‌شوند هم قادر به کنترل و نظارت منطقه نیستند.

درست در روز همه‌پرسی کریمه بود که گروهی از تجزیه‌طلبان روسی در دو منطقه «خارکیف» و «دونتسک» در شرق اوکراین با اجتماع عظیم خود مردم را برای شرکت در همه‌پرسی تشویق می‌کردند. در این میان، حدود دوهزارنفر از معترضان طرفدار روسیه ضمن تجمع در اطراف مجسمه لنین پیش از آنکه پرچم روسیه را به اهتزاز درآورند گوش به سخنان رهبران خود می‌دادند. فضای اعتراضات بیشتر حالتی تهدیدگونه داشت به‌صورتی که حرکت انقلابی و خشونت خاصی در آن دیده نشد. هرچند صمیمیتی نیز بین طرفداران روسیه و پلیس مستقر نیز دیده نمی‌شد. هنوز ساعاتی از شروع اجتماع نگذشته بود که سراسر منطقه از مردم معترض طرفدار روسیه پرشده و تلویزیون نیز مدام مشغول رپرتاژ خبری برای مردم بود.

طبق گفته «جنادی کرنس»، شهردار «خارکیف» در شرق اوکراین، اجتماع فوق حکایت از آن دارد که یک طراحی ازپیش‌تعیین‌شده برای توجیه اقدامات آتی است. به نظر وی روسیه هیچ نیازی ندارد که به فوریت اکنون بخواهد وارد کارزار شود بلکه بهتر این بود که سیاست صبر موقتی را پیش می‌گرفت تا اینکه شرایط اقتصادی اوکراین به بدترین شکل خود می‌رسید آن هم با توجه به حمایت روسیه در امتناع از صادرات اوکراین که می‌توانست محملی برای سیاست روسیه باشد.

به قول یکی از سیاستمداران ارشد اوکراین، «دونتسک»، یکی از راه‌های مواصلاتی اوکراین، در شرق این کشور قرار دارد، منطقه‌ای سرشار از معادن زغال‌سنگ که توسط دونفر از طرفداران و فعالان سیاسی حکومت اداره می‌شود، هرگونه حضور قدرت جدیدی در کی‌یف تهدیدی جدی برای آنها محسوب می‌شود. ولی تمایلی به واگذارکردن منطقه معدنی فوق به پوتین وجود ندارد. از طرفی، درحالی‌که تمرکززایی امری ضروری در اوکراین است اجماعی هم در مورد دادن استقلال و خودمختاری اقتصادی بیشتر در این منطقه برای انتخاب شهرداران وجود دارد. درواقع، حرکت کلی به سوی شیوه فدرالیسمی آرزوی بسیاری است که به آینده اوکراین چشم دوخته‌اند.

از جانبی دیگر هم کرملین که از «یانوکوویچ»، رییس‌جمهور سابق اوکراین برای مدت چهارسال در قدرت استفاده کرد اینک برگزاری انتخابات را برای ۲۵ می نپذیرفته و چنانچه بتواند رای‌گیری را در جنوب و شرق کشور هم متوقف کرده یا نتایج آن را با شک و تردید روبه‌رو کند در انتخاب رییس‌جمهور جدید اوکراین توانسته سیاست خود را پیش ببرد. البته اگر هم شرایط به خشونت کشیده شود اوضاع بسیار ناباورانه به پیش خواهد رفت که علت مهم آن هم فقدان سرویس‌های امنیتی لازم در اوکراین است. نیروهای امنیتی که همین چندهفته پیش به سوی مردم حمله می‌کردند، اینک همین مردمند که به قدرت رسیده به آنها دیگر اعتمادی ندارند و البته روی دیگر سکه را هم نباید فراموش کرد، اینکه با وجود همه تهدیدها فرصتی برای آشتی و وحدت ملی اتفاق افتد. چراکه به‌هرحال حمایت از سلطه و حاکمیت اوکراین برای دودهه گذشته پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای را برای این کشور به‌همراه داشته است. درواقع، نسلی در اوکراین که می‌خواهد فرزندانش از سرزمینشان لذت ببرند. به گفته «آناتولی گریتسنکو»، وزیر دفاع سابق اوکراین که گفت: «ما هرگز اوکراینی را نمی‌خواهیم که تعلق به پدرانمان داشته باشد بلکه ما به اوکراینی فکر می‌کنیم که خود را بتواند برای فرزندانمان به‌خوبی آماده کند.»

سیاست پوتین در نظام هژمونی

ناگفته نماند که ولادیمیر پوتین اینک در برابر آمریکا و اروپا با دقت فراوان در حال اجرای سیاستی است که می‌تواند بسیاری از شرایط و رخدادهای نظام بین‌المللی را تغییر دهد. پوتین در اجرای بهینه چنین کارزاری با ملحق‌کردن کریمه به روسیه گم‌گشته قدیمی کشورش را که مورد علاقه‌مندی بسیار هم‌پیمانان آن‌سوی اقیانوس اطلس بود در آغوش گرفت. واقع اینکه بعد از جنگ عراق، مبارزه قدرت‌های بزرگ با تروریسم، بحران منطقه یورو و مشکلات فزاینده بودجه دفاعی اروپا، حالا این روسیه است که می‌خواهد قدرت‌های جهانی را در برابر شرایط جدید قرار دهد. یکی از سیاستمداران ارشد اروپایی می‌گفت: «من مدت بسیار زیادی است که چنین تحول بزرگی را در روابط سیاسی منطقه آن‌سوی اقیانوس اطلس ندیده بودم.»

ادامه در صفحه ۸

نگاه

راه پوتین به سوی نابودی اقتصادی

بحث درباره کریمه دیگر در حقوق بین‌الملل جایی ندارد: ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه این شناخت سیاسی را دارد که بابت حقوق بین‌الملل احساس محدودیت نکند و اهمیتی ندهد که بقیه دنیا او را متهم به انجام کاری غیرقانونی کنند. اما چیزی که روشن است این است که آیا اقتصاد روسیه می‌تواند بار اهداف پوتین در اوکراین را تحمل کند یا خیر؟

بی‌توجه به واکنش غرب به بحران کریمه، آسیب اقتصادی در روسیه وخیم‌تر خواهد شد. در وهله اول هزینه‌های مستقیم عملیات نظامی در کریمه و هزینه متعاقب حمایت از دولت جدید آن در اقتصاد ناکارآمد و بدهکار روسیه (که سال‌هاست به اوکراین یارانه‌های سنگین می‌دهد) کمرشکن خواهد بود. با توجه به اینکه آینده سیاسی کریمه مبهم است، این هزینه‌ها را نمی‌توان تخمین زد ولی می‌توان گفت دست‌کم چندین‌میلیارددلار در سال روی دست روسیه خواهد گذاشت.

هزینه مستقیم آن ممکن است تا ۰/۵درصد از تولید ناخالص داخلی روسیه را در برگیرد. با این‌همه تامین چنین مبلغی برای روسیه ناممکن نیست. این کشور تنها در المپیک سوچی ۵۰میلیارددلار خرج کرد و حتی برای میزبانی جام‌جهانی در سال ۲۰۱۸ خیز برداشته است. روسیه ۱۵میلیارددلار وام برای دولت ویکتور یانوکوویچ آماده کرده بود و هرساله هشت‌میلیارددلار به اوکراین یارانه سوخت می‌داد.

همچنین هزینه‌هایی هم بابت تحریم‌های احتمالی و محدودیت سرمایه‌گذاری به روسیه تحمیل می‌شود. بااینکه هنوز معلوم نیست این تحریم‌ها چه هستند و چقدر به روسیه ضرر می‌رسانند، تاثیر آن احتمالا بسیار زیاد خواهد بود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۳ در روسیه بیش از ۸۰میلیارددلار بود. کاهش این میزان- که نه‌تنها پول که تکنولوژی و علم مدیریت را به روسیه می‌آورد- رشد اقتصاد بلندمدت روسیه را با اخلال مواجه می‌کند. بازداشتن روسیه از دسترسی به سیستم بانکی آمریکا (و احتمالا اروپا) - سخت‌ترین تحریمی که به ایران تحمیل شد- تاثیرات جبران‌ناپذیری خواهد داشت. اما تجارت از سرمایه‌گذاری اهمیت بیشتری دارد. صادرات سالانه روسیه (به‌ویژه نفت، گاز و کالا) ۶۰۰میلیارددلار ارزش سالانه دارد (در مقابل واردات ۵۰۰میلیارددلاری) تحریم تجاری روسیه و تحریم موسسات مالی این کشور از هزینه‌های مستقیم حمایت از کریمه، کمرشکن‌تر خواهد بود. البته مسلما تحریم‌ها برای شرکای تجاری مسکو هم آسیب‌زاست. ولی وابستگی تجاری روسیه به غرب بیش از غرب به روسیه است.

اما مهم‌ترین آسیب به اقتصاد روسیه جای دیگری است. روس‌ها و تجار خارجی همیشه نگران پیش‌بینی‌ناپذیری رهبری سیاسی در کشورهای دیگر بوده‌اند. کم‌بودن اعتماد به سیاستمداران این کشور دلیل اصلی فرار سرمایه از روسیه، ارزش کم دارایی‌های داخلی، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی اندک است که بحران کریمه احتمالا این مشکلات را شدیدتر خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۹

گزارش

روسیه و امنیت انرژی اروپا

«کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه امری ناممکن نیست، اما در این میان سه عامل زمان، پول و اراده سیاسی پایدار نقش کلیدی دارند.»

وقتی ولادیمیر پوتین، «ویکتور یانوکوویچ» را در زمان ریاست‌جمهوری‌اش در سال گذشته وادار به رد کردن تبادل تجاری با اتحادیه اروپا کرد برگ برنده‌ای را هم برای یانوکوویچ در نظر گرفته بود که فروش گاز به قیمت ارزان می‌توانست هدیه خوبی باشد. مصرف بی‌رویه و سالانه گاز روسیه به اوکراین که فقط ۲۶۸/۵ دلار آمریکا برای هر هزارمترمکعب مورد معامله قرار می‌گرفت، در سال ۲۰۱۳ برای ۲۸تریلیون مترمکعب قیمت ۷/۵میلیارددلار هزینه دربرداشت. از زمان برکناری «یانوکوویچ» در فوریه گذشته مساله گاز به موضوعی بحرانی برای اوکراین تبدیل شده است. پیش از این اوکراین به شرکت نفتی گازپروم ۱/۷میلیارددلار بدهی داشت. چنانچه، اوکراین همچنان نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نکند و مورد حمایت و کمک خارجی هم قرار نگیرد شرکت مزبور اقدام به قطع گاز می‌کند. بی‌تردید، بحران گاز می‌تواند روی انتقال گاز از اوکراین به کشورهای غربی نیز مساله‌ساز باشد. اما در صورتی که شرکت نفتی مورد اشاره میزان نفت انتقالی خود را کاهش دهد دیگر این امکان برای اوکراین نخواهد بود که همچون گذشته بتواند دسترسی به ۲۸میلیاردمترمکعب داشته باشد و اینکه چه‌بسا شرکت گازپروم تصمیم بگیرد خط لوله گاز به اوکراین را کاملا ببندد نه‌تنها تامین گاز اروپا با معضلی جدی روبه‌رو خواهد شد بلکه اگر این روند تداوم یابد ضربه مهلکی بر اقتصاد حوزه اروپا خواهد زد. چه، اروپا ۲۴درصد گاز مصرفی خود را از روسیه تامین می‌کند که نیمی از این مقدار یعنی برابر سالانه ۸۰میلیاردمترمکعب از شبکه گازی اوکراین عبور می‌کند. بی‌جهت نیست که مشاجره جدی بین روسیه و اوکراین باعث شد تا به مدت دوهفته در ژانویه ۲۰۰۹، جلوی انتقال گاز به اوکراین گرفته شود. البته، اگر اتفاق قطع گاز برای مدت زمان کوتاهی (چندهفته یا یک‌ماه) طول بکشد میزان آسیب‌رسانی بسیار کمتر خواهد بود. اما اگر در مدت طولانی (چندماه و چندسال) این حادثه رخ دهد، اروپا به سختی آسیب خواهد دید. این نوع آسیب‌پذیری یکی از دلایلی است که به اعتقاد پوتین قطعا اجازه نخواهد داد تا اروپا به بهانه الحاق کریمه به روسیه و یا هرگونه تحولات مرزی که بتواند تصور کند در برابر رییس‌جمهور روسیه ایستادگی کند. در حال حاضر، کاهش سهمیه گاز به اوکراین و در نتیجه عدم سهمیه گاز اروپا همانند گذشته به علت فصلی که کشورهای اروپایی در آن قرار دارند به نفع این منطقه است. کشورهای اروپایی در ماه‌های تابستان نیازی به گاز روسیه ندارند. در زمستانی که گذشت گاز به مقدار کافی ذخیره شده است. کشورهای اتحادیه اروپا هم اینک ۳۶میلیاردمترمکعب گاز را ذخیره دارند که این مقدار ۱۵میلیاردمترمکعب بیشتر از زمان مشابه در سال گذشته است. آنها می‌توانند دوبرابر این مقدار را نیز ذخیره کنند چراکه ظرفیت ذخیره گاز اتحادیه اروپا برابر ۷۵میلیاردمترمکعب است. چنین وضعیتی برای اروپا قوت قلبی است، اما چون حبابی روی آب خیلی جای امیدواری هم نمی‌تواند باشد. برخی از کشورهای اروپایی از میزان ذخیره بالایی برخوردارند: کشور لتونی برای مدت یک‌سال و کشورهای دیگر (مولداوی و مقدونیه) اصلا ذخیره‌ای ندارند. بنابراین، کمک کشورهایی که از ذخیره گاز خوبی برخوردارند به کشورهای نیازمند خود موضوع بسیار مهمی است. خطوط نفتی اروپا شرایط مناسبی برای چنین کاری ندارند. شرکت‌های ملی گاز مدت زمان زیادی است که علاقه‌ای به این نوع ارتباط شبکه‌ای ندارند. چه، انتقال گاز مجانی به این معنی است که مشتریان فرصت بیشتری برای خرید ارزان‌تر دارند. اما فشار از جانب اتحادیه اروپا خاصه به شکل «بسته انرژی سوم» از سال ۲۰۰۹ آن‌هم با توجه به اینکه تکیه بیش از اندازه به گاز روسیه ریسکی خطرناک است در حال طراحی برنامه‌های ویژه برای تعبیه خطوط ارتباطی بیشتر خطوط گازی به منظور به جریان انداختن انتقال گاز در شبکه‌های ترانزیتی است. لهستان از سال ۲۰۱۱ از طریق خط لوله گاز به جمهوری چک متصل بوده و با ظرفیت حداکثر تا ۱۰میلیاردمترمکعب شبکه گسترده گازی را تا قبل از ۲۰۰۷ فعال خواهند کرد. اسلوواکی در همین اواخر ارتباط گازی خود را با مجارستان شروع کرده و آلمان، می‌تواند به ایتالیا، لهستان و جمهوری‌چک گاز ارسال کند. البته از همه مهم‌تر همان مهیابودن اراده سیاسی بین کشورهای اروپایی است که بتوانند در این مهم موفقیت خوبی به دست آورند. استونی، لتونی و لیتوانی هیچ‌یک به‌طور مستقیم به گاز روسیه متصل نیستند ولی قرار است تا سال ۲۰۱۸، خط گازی بین لهستان و لیتوانی برقرار شود و تا آن موقع، لتونی با توجه به ذخایر فراوان به پیشرفت‌هایی خواهد رسید. همچنین بلغارستان مشکل خاص خود را دارد؛ کشوری که تمام گاز مورد نیاز را از روسیه و از مسیر خط لوله گازی اوکراین دریافت می‌کند و دارای ذخایر محدودی است (کمتر از مصرف دوماه). بلغارستان تلاش جدی و فوری خود را برای ساختن خط لوله گازی با صربستان و نیز تاسیس ترمینال گاز طبیعی در یونان بسیج کرده است. حالا به‌راستی در صورتی که انتقال گاز به اوکراین متوقف شود بعد از تمام‌شدن ذخایر گازی برای تامین گاز مورد نیاز چه باید کرد؟ یکی از پاسخ‌های چه‌بسا حیرت‌آور همان روسیه است. اگر روسیه به قصد آسیب‌رسانی به اوکراین لوله‌های گاز خود را ببندد، اوکراین مجبور خواهد بود تا گاز مصرفی خود را از طرق دیگری به دست آورد. یکی از راه‌ها خط لوله دربستر دریای بالتیک است. طرح این کار برای انتقال مستقیم گاز از روسیه به آلمان به حالتی است که در عین حال که به روسیه این امکان را می‌دهد تا روابط گازی خود را با برخی همسایه‌های نزدیک قطع کند، اما درصدد تقویت بازار مهم خود باشد. اینک شبکه‌های گازی ارتباط‌دهنده انتقال گاز را به جنوب و شرق آلمان ممکن کرده و در حال حاضر فقط حدود ۳۰میلیاردمترمکعب از ظرفیت ۵۵میلیاردمترمکعب سالانه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. حال، فرض کنیم مشکلات تجاری به گونه‌ای حل شود، آن‌وقت روسیه هم بنا نداشته باشد که اوضاع را بدتر کند، ۲۵میلیارد دیگر می‌تواند بخش عمده قابل‌توجهی از گاز مصرفی را در صورت قطع گاز اوکراین تامین کند. از طرفی، بررسی یکی از بانک‌های نروژ نشان داد شرکت دولتی انرژی نروژ از زمان تحولات اخیر اوکراین به رشد هفت‌درصد رسیده است. لیکن حوزه تولیدات بعدی در اتحادیه اروپا محدودیت دارد. افکار عمومی هلند خواهان استخراج کمتر گاز هستند.

ادامه در صفحه ۸